Original Article Open Access



Child Rights Journal

2024; 6(21): 1-13

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity

The Iranian Association of Medical Law

The Iranian Association of Child Rights

Family and its Role in Balanced Child Upbringing during Sensitive Developmental Stages

Taghi Abutalebi Ahmadi[1*]

1. Department of Psychology, Counseling and Educational Sciences, Farhangian University, Nasibeh Campus, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Nurturing children is one of parents' most critical duties in the family. Psychologists believe that a person's personality is formed during the earliest years of life, making childhood the ideal time for a balanced and harmonious upbringing. A family can deliver a well-balanced, thriving child to society when it maintains its own stability and harmony. A balanced family reflects unity and integrity. In such a family, each member has a special role and a spirit of meritocracy replaces patriarchal, matriarchal, or child-centered dominance. In designing a calm and balanced family, patriarchal, matriarchal, or child-centered rule is not acceptable; instead, a meritocratic mindset is acceptable by everyone. The first years of child-upbringing, regarded as sensitive stages of development, are highly important and they shape children's physical, emotional and moral structure. A true home is a healthy, vibrant environment full of peace, emotion and friendship and is the best foundation for emotional and moral development.

Method: This research involves collecting documentary information and is a library-based study employing descriptive-analytical analysis.

Results: According to various parenting styles and the existing library-based studies, it is pointed to the superiority of the rational authoritative parenting style over other approaches. As the first and the most important environment for a child's balanced or unbalanced growth, the family plays a crucial role and this research emphasizes on the balanced method.

Conclusion: In this study, to address the question of whether the family can play a role in balanced parenting during a child's sensitive developmental stages, the findings of this research and previous studies, without any prejudice or bias toward different parenting styles, show that parents who adopt an authoritative approach, rather than permissive or authoritarian ones, can effectively deliver well-balanced, thriving children to society.

Keywords: Family; Child; Balanced Parenting; Sensitive Developmental Stages

Corresponding Author: Taghi Abutalebi; **Email:** taghiaboutalebi12@gmail.com

Received: July 28, 2023; **Accepted:** November 04, 2023

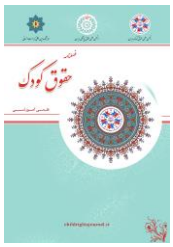
Please cite this article as:

Abutalebi Ahmadi T. Family and its Role in Balanced Child Upbringing during Sensitive Developmental Stages. Child Rights Journal. 2024; 6(21): 1-13.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد



فصلنامه حقوق کودک

دوره ششم، شماره بیست‌ویکم، بهار ۱۴۰۳، صفحات ۱۳-۱

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

انجمن علمی حقوق کودک ایران
انجمن علمی حقوق پزشکی ایران
اندیشکده بین المللی کرامت انسانی

خانواده و نقش آن در تربیت متعادل کودک در مراحل حساس رشد

تقی ابوطالبی احمدی[1]*

۱. گروه روان‌شناسی، مشاوره و علم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس نسیبه، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تربیت کودک یکی از وظایف خطیر والدین است که در خانواده صورت می‌گیرد. روان‌شناسان بر این باورند که شخصیت انسان در همان سال‌های اول زندگی شکل می‌گیرد و بهترین دوران برای تربیت متعادل و متوازن هر کسی به دوران کودکی او اختصاص پیدا می‌کند. خانواده زمانی می‌تواند فرزندی متعادل و رشدیافته تحویل جامعه دهد که خود از تعادل و توازون کافی برخوردار باشد. خانواده متعادل و متوازن تجلی‌گاهِ شکوه وحدت و یکپارچگی است. در خانواده متعادل هر یک از اعضای خانه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و روحیه شایسته‌سالاری به جای مردسالاری، زن‌سالاری و فرزندسالاری حاکم می‌باشد. برای طراحی خانواده‌ای آرام و متعادل تفکر مردسالاری، زن و یا فرزندسالاری مورد پذیرش نبوده، بلکه تفکر شایسته‌سالاری قابل قبول همگان است. سال‌های نخست تربیت انسان به عنوان سنین حساس رشد، بسیار اهمیت داشته و ساختار جسمانی، عاطفی و اخلاقی کودکان را شکل می‌دهد. خانه واقعی محیطی سالم، پرنشاط و سرشار از آرامش، عاطفه و دوستی‌ها بوده و بهترین بستر برای رشد عواطف و کمالات انسانی شناخته می‌شود.

روش: پژوهش گردآوری اطلاعات اسنادی، مطالعه کتابخانه‌ای در مقام تجزیه و تحلیل توصیفی ـ تحلیلی است.

یافته‌ها: با توجه به انواع سبک‌های فرزندپروری و نتایج مطالعات کتابخانه‌ای به برتری سبک فرزندپروری اقتدار منطقی بر سایر روش‌های فرزندپروری اشاره شده است. خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین محیط برای رشد متعادل یا نامتعادل کودک از اهمیت بالایی برخوردار است، در این پژوهش بر روش متعادل آن تأکید شده است.

نتیجه‌گیری: در این پژوهش، در پاسخ به این پرسش که آیا خانواده در جریان تربیت متعادل در مراحل حساس رشد کودک می‌تواند نقش‌آفرینی داشته باشد؟ نتیجه این پژوهش و پژوهش‌های پیشین در این زمینه، بدون هیچ پیش‌داوری و تعصب نسبت به انواع سبک‌های تربیتی والدین، بیانگر آن است که والدین در خانواده‌ها با سبک فرزندپروری مقتدرانه در قبال سبک‌های تربیتی آزاد گذار و استبدادی برای تربیت متعادل، به خوبی می‌توانند فرزندانی متعادل و رشدیافته تحویل جامعه دهند.

واژگان کلیدی: خانواده؛ کودک؛ تربیت متعادل؛ مراحل حساس رشد

نویسنده مسئول: تقی ابوطالبی احمدی؛ **پست الکترونیک:** taghiaboutalebi12@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۶؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۰۸/۱۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Abutalebi Ahmadi T. Family and its Role in Balanced Child Upbringing during Sensitive Developmental Stages. Child Rights Journal. 2024; 6(21): 1-13.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

مقدمه

خانواده به عنوان اولین نهاد زندگی اجتماعی، فضای اولیه رشد اجتماعی و روانی کودکان محسوب می‌شود. این نهاد به عنوان مهم‌ترین منبع حمایت عاطفی در شرایط فشار روانی و مشکلات احتمالی می‌تواند موجبات رشد متعادل و در نهایت آرامش کودکان را در مراحل مختلف رشد فراهم آورد. پدر و مادری که از دانش و مهارت فرزندپروری آگاه نباشند؛ ممکن است برخوردهای نامناسب و نابجایشان در خانه، فرزند آن‌ها در معرض فشارهای قابل توجهی قرار گیرد. در آن صورت وجود فشارهای روانی، ممکن است در درازمدت باعث افزایش احتمال بروز ناراحتی‌های روانی اعضای خانواده شود.

در خانواده‌هایی که سطوح بالایی از رضایت از روابط خانوادگی وجود دارد، اعضای آن کمتری تحت تأثیر فشارهای روانی، اضطراب، استرس و افسردگی قرار می‌گیرند. همچنین راهکارهای مراقبتی در خانواده می‌توانند اثرات اضطراب، استرس و افسردگی افراد را کاهش داده و در نتیجه سلامت روان آنها را بهبود بخشد (۱).

دنیای امروز نیز از پیچیدگی خاصی برخوردار شده است و در نهایت تأسف باید گفت که هر روز بر این پیچیدگی‌ها افزوده می شود. برای اینکه این پیچیدگی و تحول بر انسان غالب نشود، او مجبور خواهد بود تا به شیوه‌های تربیتی خویش بیشتر توجه نماید و برای در امان‌ماندن الگوی مناسبی را برگزیند. در این میان والدین در سنین حساس رشد کودکی، به جهت آسیب‌پذیری فرزندان، نیازمند آگاهی و مهارت‌های لازم عصر و نسل خود هستند تا از آن طریق بتوانند انواع آسیب‌های متوجه خانواده و فرزندان را شناسایی نموده و نسبت به رفع آن اقدام مناسب و به هنگام داشته باشند. آن‌ها باید هوشمندانه در مسیر تربیت صحیح فرزندان خود، گام‌های مؤثر بردارند.

خانواده یکی از عوامل اساسی شکل‌گیری شخصیت متعادل کودک است و اثری عمیقی در پی‌ریزی رفتار متعادل کودک دارد. در محیط گرم و دوستانه خانواده که در آن پدر و مادر در کنار اعضای دیگر خانواده دارای روابط خوب و صمیمانه هستند؛ کودکانی سالم، با شخصیتی مثبت و فعال پرورش می‌یابند. از مهم‌ترین عوامل بهداشت و سلامت روانی کودکان در خانواده، ایجاد فضای امن، آرام و سازنده جهت تأمین نیازهای افراد است. محبت، مرز سنی و جنسی ندارد؛ انسان در تمام مراحل زندگی خصوصاً در سنین کودکی تشنه محبت است. تأمین این نیاز در انسان زمینه عزت نفس و سلامت روان او را فراهم می‌آورد و کودک را قادر به محبوب و دوست‌داشتنی بار می‌آورد. اثر محبت در رشد روانی کودکان مانند اثر نور و حرارت در رشد گیاهان است. تا گرمای محبت به فرزندان یک خانواده نرسد و آنان را سیراب نسازد، رشد روانی و شخصیتی آن‌ها به طور طبیعی به انجام نمی‌رسد (۲).

۱. بیان مسأله: کودکان بر اساس خانواده‌هایی که در آن‌ها تربیت می‌شوند و دیگر اطلاعاتی که کسب می‌کنند، افکارشان شکل می‌گیرد، چنانکه گفته می‌شود، مجموعه افکار باورها را می‌سازند و مجموعه‌ای از این باورها، ارزش‌ها را به وجود می‌آورند. باورها، افکاری هستند که آن‌ها را صحیح دانسته و بر مبنای آن‌ها عمل می‌کنیم. ارزش‌ها، ملاک‌هایی است که به وسیله آن‌ها افکار و باورهایمان را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. آن‌گونه که می‌دانید باورها، ارزش‌ها و به طور کلی نحوه نگرش ما نسبت به زندگی قابل تغییر است و ما می‌توانیم هر کجا که لازم باشد، در افکار و باورهایمان به اصلاح و تعدیل ساخت‌های ذهنی خود بپردازیم (۳).

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

باید گفت که خانواده اولین نهاد و کانونی است که محیط امن و مناسب برای رشد کودک فراهم می‌کند. تنها در نهاد خانواده است که کودک نخستین چشم‌انداز را از جهان پیرامون خود به دست می‌آورد و احساس آرامش و ابراز وجود می‌کند. او می‌آموزد چگونه غذا بخورد، لباس بپوشد، حرف بزند، معاشرت کند، همکاری نماید، محبت و احترام روا دارد و همچنین در خانواده است که به آداب و رسوم ملی، مراسم دینی، وظایف فردی و حدود اختیارات و مسئولیت‌های خود پی ببرد. در حقیقت روابط صمیمانه اعضای خانواده است که در تکوین و تعادل رشد شخصیت کودک تأثیر می‌کند و در این رابطه هر یک از والدین خصوصاً مادر سهم مهمی را به عهده دارد (۴).

پدر و مادر موفق و آشنا به مراحل رشد متواضعانه می‌کوشند تا در خانه با اتخاذ سبک تربیتی اقتدار منطقی و با در نظرداشتن اصل تفاوت‌های فردی هر یک از فرزندان، با گام‌هایی هماهنگ، مطابق با نیاز واقعی آن‌ها در دوران حساس رشد، تأثیرگذار باشند.

چنانچه می‌دانید شرط اول موفقیت در انجام هر کاری و همچنین دلیل منطقی ادامه آن به میزان آگاهی و دانش افراد ارتباط مستقیم دارد. به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان و متخصصان حوزه روان‌شناسی کودک، تا زمانی که والدین از دانش و مهارت لازم برای تربیت مطلوب فرزند برخوردار نباشند و یا به عبارتی چرایی کار را نداند، به چگونگی اجرا و انجام آن نمی‌اندیشند، لذا نویسنده در این مقاله سعی دارد تا با استفاده از منابع علمی موجود و تجارب حرفه‌ای خود به عنوان روان‌شناس و مشاور خانواده با بیش از دو دهه فعالیت در این حوزه، به تبیین اهمیت حضور همه‌جانبه والدین در دوران با اهمیت کودکی بپردازد و الگوی کار سازی را ارائه دهد.

روان‌شناسان سبک تربیتی والدین را در جریان رشد شخصیت کودکان به چهار نوع تقسیم نمودند که عبارتند از: خانواده‌استبدادی که بر قدرت و احترام والدین بیش از اندازه تأکید می‌شود؛ خانواده دموکراتیک که در آن هر یک از اعضا در اجرای امور زندگی دارای امتیازات نسبتاً یکسان می‌باشند؛ خانواده پذیرنده که از وجود فرزند خود شدیداً استقبال می‌کند؛ خانواده طردکننده که از وجود فرزندان خود به دلایلی استقبال نکرده و غالباً از آن‌ها ناراضی هستند. لازم به ذکر است که شخصیت کودک تحت تأثیر رفتارهایی است که والدین در سال‌های اول زندگی از خود نشان می‌دهند؛ در نتیجه سبک تربیتی والدین در شخصیت کودک نقش اساسی دارد. کودک در چند ماه اولیه زندگی شدیداً به مادر وابسته است؛ مادر نقشی احساسی و عاطفی دارد، انگیزه مادری از سوی خالق بی‌همتا در نهاد زن به ودیعت گذاشته شده و او را مظهر لطف، صفا و محبت برای کودک ساخته است. مادر آهنربای دل کودک است؛ کودکی که محبت مادر ندیده و یا کم دیده باشد، ممکن است به هر کس پناه برد و به هر محبتی واقعی یا تصنعی تسلیم شود. رابطه گرم و صمیمانه پدر با فرزندان موجب اعتماد به نفس آن‌ها می‌شود. پدر با محبت و دوستی خود نسبت به دختر، عملاً همه نیازهای عاطفی او را پاسخ می‌گوید و نسبت به فرزند پسرش نیز با مشارکت‌دادن او در صحنه‌های مختلف اجتماع، وی را لایق زندگی جمعی می‌نماید. شیوه‌های فرزندپروری، روش‌هایی است که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می‌برند و آن مجموعه‌ای از گرایش‌ها، اعمال و جلوه‌های غیر کلامی است که ماهیت تعامل کودک و والدین را در تمامی موقعیت‌های گوناگون مشخص می‌کند. بر اساس نظر «بامریند» سه شیوه فرزندپروری مطرح است که عبارتند از: شیوه اقتدار منطقی، شیوه استبدادی و شیوه آزادگذاری است.

۲. اهمیت و ضرورت موضوع: خانواده اولین و مهم‌ترین محیطی است که کودک در آنجا از کیفیت روابط انسانی

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

آگاهی پیدا می‌کند. طبق تحقیقات انجام‌شده بیشتر روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، تجارب سال‌های اول کودکی که معمولاً در خانواده ایجاد می‌گردد را سازنده زیربنای شخصیت و رفتارهای بعدی کودک می‌دانند (۵). نگرش و رفتار والدین در خانواده می‌تواند تسهیل‌کننده و یا برعکس مانع جریان تکامل همه‌جانبه کودکان باشد. والدینی که دارای آگاهی از روش‌های اصولی تربیتی مناسب هستند، می‌توانند منبع امنیت خاطر برای فرزندان خود باشند. همچنین برای حل مشکلات با آن‌ها همراه و همراز شوند. این‌گونه والدین فرزندان خود را مستقل و مسئولیت‌پذیر تربیت می‌کنند، لذا رفتار آن‌ها باعث می‌شود تا فرزندان از معیارها و ارزش‌های اجتماعی مورد قبول برخوردار شوند. تحقیقات گسترده‌ای که توسط روان‌شناسان به عمل آمده، حاکی از آن است که تقریباً ۹۵ درصد نوجوانان مجرم که گرفتار اختلالات عاطفی، حسادت، کشمکش‌ها و تضادهای درونی، بی‌انضباطی و احساس خودکم‌بینی هستند، دوران کودکی اولیه نا امنی را در خانواده تجربه نموده‌اند (۶).

به طور قطع می‌توان گفت که با مشارکت همه‌جانبه والدین و اتخاذ سبک تربیتی متعادل و متوازن با روحیات و مقتضیات زمانه، در دوران حساس رشد کودکان خصوصاً در سنین پیش دبستانی، فرزندان ما در آینده به نتایج مثبتی دست خواهند یافت.

خانواده مطلوب و ایده‌آل، خانواده‌ای است که امنیت عاطفی، احساس ارزشمندی، احساس تعلق و مورد عشق و علاقه‌بودن اعضای خود را تأمین می‌کند. اگر والدین از اعتماد کودک نسبت به استقلال‌یافتن، جلوگیری به عمل نیاورند، او قادر خواهد بود در خلال دوره‌های بعدی زندگی به درجه‌ای از آزادی دست یابد و به تدریج خود را از وابستگی کودکانه رها سازد و اعتماد لازم را کسب نماید (۷). از سوی دیگر نیز می‌توان گفت که والدین یکی از مهم‌ترین منابع شکل‌گیری خود پنداره و احساس خود ارزشمندی و عزت نفس در کودکان خود هستند (۸).

تربیت انسان سخت‌ترین، پیچیده‌ترین، حساس‌ترین، پراضطراب‌ترین و پرزحمت‌ترین کارها است و به عشق، آگاهی و صبر خوش خلقی مادرانه و پدرانه نیاز دارد. پدر و مادر موافق در جریان در دوران حساس رشد بر این اصل باور دارند که تربیت کودک ایجاد توانایی نیست، بلکه ایجاد فرصت لازم برای بروز توانایی‌ها و استخراج معادن وجودی اوست. آن دو والد آگاه باید ابتدا محیط مناسب تربیت همه‌جانبه و رشد متعادل را فراهم آورند تا کودک بتواند فرصت بروز و ظهور توانایی‌های خدادادی خود را به منصه ظهور بگذارد. به اعتقاد اندیشمندان تربیتی، تربیت‌کردن آموزش روش‌های حل مسأله است تا کودک بتواند خود آن را شناسایی و حل نماید.

امیل دورکیم (Émile Durkheim) فیلسوف بزرگ می‌گوید: «هیچ جامعه‌ای بدون تربیت و هیچ تربیت و رشدی بدون جامعه و برخورداری از استعدادها و امکانات آن مقدور نیست.» تربیت اولین نیاز انسان و ضرورتی که با خلقت اولین انسان مشهود بوده است. تربیت داروی دردهای بشری است. تربیت مس و جود آدمی را طلا می‌کند، انسان را به هدف عالی آفرینش و به مقصد نهایی خلقت می‌رساند و چراغی است که پیش پای نسل‌ها است و زندگی‌کردن مطلوب را به انسان یاد می‌دهد تا او بتواند به بهترین وجه ممکن زندگی نمایند. هر تربیتی در درجه اول باید مطابق با فطرت و اخلاق باشد و در درجه دوم عقلی و اگرنه ناقص است. حضرت علی (ع) فرمودند: «که فرزند شما هفت سال او گل خوشبویی بر شاخه درخت وجود شما هستند. هفت سال دوم مطیع و فرمانبردار هفت سال سوم به جهت تربیت دوست یا دشمن می‌شود.» در اینجا نقش والدین به طور جداگانه در همه

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

مراحل رشد به ویژه در سنین پایین کودکی از اهمیت خاصی برخوردار است.

انسان موجودی ارزشمند است، به گونه‌ای که در قرآن کریم و در کلام خداوند از او به عنوان اشرف مخلوقات نام برده شده است و توانایی‌هایی را که انسان دارد با تربیت شود تا مورد استفاده قرار گیرد. ناگفته پیدا است که مسئولیت اولیه رشد و بالندگی کودک به والدین و آن هم در محیط امن خانه صورت می‌گیرد.

جان‌آموس کمنیوس (Jan Amos Comenius) یکی از فلاسفه بزرگ اروپا و بنیانگذار تعلیم و تربیت می‌گوید: «انسان موجود عاقلی است و دو ویژگی ذاتی و فطری دارد که او را کفایت می‌کند که یکی ذهن و دیگری طبیعتی فعال اواست که بر اساس ذهن قدرت بی‌پایان عقل و اندیشه را دارد و طبیعت فعال او مثل چشمه جوشانی عمل می‌کند که با اندک هدایت مسیر خود را پیدا می‌کند و اگر نه به انحراف می‌رود و آن وظیفه پدر و مادر است که اول باید فرزندان خود را بشناسند و کمک نمایند تا آن‌ها به رشد کامل برسند.»

جان لاک (John Locke) فیلسوف قرن هفدهم می‌گوید: «پدر شریف و مادر بزرگوار در کنار ثروت باید کودکان خود را به چهار ویژگی فضیلت، تقوا، خردمندی و ادب مجهز کنند.» افلاطون نیز می‌گوید: «تربیت وسیله‌ای است برای رسیدن جسم و روح به بلندترین پایه جمال و کمال انسانی.» او همچنین اعتقاد دارد که اگر تربیت در کار نباشد، بهترین قانون‌ها نیز با بدترین روش‌ها در جامعه اجرا شود و به کیفر و زور متوسل شوند (۹).

در بیان اهمیت خانواده در جریان رشد متعادل نیز باید گفت: محیط فیزیکی و شرایط فرزندپروری والدین در خانه، نقش مهمی در رشد جسمانی، عقلانی و شناختی فرزندان دارد. کودکانی که رشد خوبی برخوردارند، والدین آن‌ها صمیمی و بامحبت بوده و با انعطاف لازم در برخوردها به رشد زبان و دانش علمی‌شان کمک می‌کنند. بدون برخوردهای فیزیکی و تنبیه بدنی، روش‌های حل مسأله منطقی را به آن‌ها آموزش می‌دهند و خود نیز عامل هستند (۱۰).

۳. دوره حساس رشد: منظور از رشد و تحول «تغییرهای منظم و سازگارانه‌ای است که از لحظه بستن نطفه تا هنگام مرگ در فرد اتفاق می‌افتد» رشد انسان را می‌توان از جنبه‌های مختلف به شرح زیر مورد بررسی قرار داد:

۳-۱. رشد جسمانی: تغییرهای ایجادشده در بدن فرد (ماهیچه، استخوان‌ها، دستگاه عصبی و...) و نیز تغییرهای ناشی از چگونگی استفاده فرد از بدن خود (مهارت‌های حرکتی) را شامل می‌شود.

۳-۲. رشد شخصیتی: دربرگیرنده درک فرد از خود و تغییرهایی است که در هیجان‌ها و اخلاقیات او اتفاق می‌افتد.

۳-۳. رشد اجتماعی: شامل تغییرهایی است که در روابط فرد با دیگران صورت می‌پذیرد.

۳-۴. رشد شناختی: به تغییرهای حاصل در اندیشه و شناخت فرد در طول زندگی‌اش گفته می‌شود.

آنچه مسلم است، این‌که شناخت همه جنبه رشد کودک و نوجوان به والدین، مربیان و معلمان کمک می‌کند تا آن‌ها را بهتر بشناسند و رفتارها و عملکردهای مناسبی با فرزندان و یا دانش‌آموزان خود داشته باشند (۱۱).

بسیاری از نظریه‌پردازان اعتقاد دارند افکار و رفتار کودک تحت تأثیر عواملی محیط و مکانی است که وی طی زمان‌های متفاوت در آنجا به سر می‌برد. در نظریه روانکاوی زیگموند فروید (Sigmund Freud) شاهد آن هستیم که تجارب گذشته و یادگیری اولیه در شکل‌گیری شخصیت کودک مؤثر واقع می‌شود. از سوی دیگر نظریه‌شناختی بر نقشه‌های آینده کودک تأکید شده و

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

گفته می‌شود برنامه‌های آینده انسان در شکل‌گیری شخصیت فرد مؤثر است. فروید و آلفرد آدلر (Alfred Adler) هر دو اندیشمند معتقدند، اساس شخصیت انسان در اولین سال‌های زندگی پی‌ریزی می‌شود، اگرچه رویدادهای بعدی تا اندازه‌ای رفتار فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اما نمی‌توان تأثیر گذشته فرد را در شخصیت و رفتار او نادیده گرفت. تحقیقات نشان می‌دهد که سلامت روانی و شخصیت فرد بیشتر تحت تأثیر رابطه کودک با مادر می‌باشد. بزهکاری، عدم سازش و تعصبات قوی در دوره نوجوانی نتیجه اضطراب و عدم توجه در دوران کودکی است (۱۲).

به نظر «ژان پیاژه (Jean Piaget)» چهار عامل در تحول شناختی کودک تأثیر دارد که عبارتند از: رَسش، تجربه‌های محیطی، تعامل‌های اجتماعی و تعادل‌جویی. پیاژه در نظرهای خود نقش عوامل زیستی و محیطی را در تحول شناختی و جریان یادگیری کودکان بسیار مؤثر می‌داند و هوش و قدرت سازگاری کودک با محیط را تابعه دو عامل محیط و پیشینه یا گذشته یادگیری او می‌داند و در مقابل نیز گرایش به سازماندهی امور و فرآیندهای هوشی و برقراری رابطه سازگاری با محیط را به ارث ربط می‌دهد.

به نظر «پیاژه» تجربه‌های کودک از طریق کار بر روی اشیا حاصل می‌شود و در تحول شناختی او بسیار مؤثر است، اما محیط اجتماعی نیز در جریان کسب شناخت او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. از طرفی گروه همسالان نیز در یادگیری نقش مهمی دارند. در این میان او به نقش زبان در بازنمایی ذهنی تأکید دارد و برخلاف نظر «جروم برونر (Jerome Brunner)»، زبان را عامل به وجود ورنده هوش نمی‌داند، بلکه زبان را تسهیل‌کننده تحولات شناختی از جمله هوش معرفی می‌کند (۱۲).

۴. تربیت در سنین حساس رشد: با همه تعاریفی که بیان شد، بهتر است تربیت در همه محورها و ابعاد انسانی مطابق با سنین حساس رشد در دوره‌های اولیه کودکی به شایستگی انجام پذیرد؛ در آن صورت اثرات آن دائمی خواهد بود. نکته قابل توجه اینکه در جریان تربیت صحیح از ابتدا باید همه احساسات، عواطف و خواسته‌های کودک را در نظر داشت و روش‌های کنترل احساسات و عوطف‌شان را به آن‌ها گوشزد نمود.

والدین و بزرگان فامیل در خانه، معلمان، مربیان و استادان در مدرسه و دانشگاه باید در خصوص چگونگی تربیت با کودکان، نوجوان‌ها و جوان‌ها نشست‌هایی داشته و ضمن هماهنگی در طراحی سبک تربیتی مناسب با یکدیگر به توافق برسند. در چنان شرایطی وقتی که همه عوامل مهیا بود، در آن صورت است که می‌توانند برای تربیت مطلوب به سراغ کودک و نوجوان بروند. این اصل کلی را نباید فراموش کرد که در جریان تربیتِ کودکان و نوجوان‌ها همه عوامل تربیتی در خانواده و مدرسه باید نقشه تربیتی متناسب با آن‌ها را طراحی کنند و بدانند از کجا شروع نموده و به کجا ختم نمایند.

۵. اصول حاکم بر تربیت مؤثر انسان در سنین حساس رشد: در پرورش کودکان، باید مبتنی بر توانایی‌های ذاتی آن‌ها عمل کرد. هرگونه آموزش و برنامه پرورشی کودکان، باید مطابق با میل و خواسته آن‌ها باشد. به فرموده شهید بزرگوار دکتر محمد جواد باهنر، به عنوان یکی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت این کشور، در جریان تربیت کودک، اگر والدین آن‌گونه عمل کنند که خود می‌خواهند، در آینده نزدیک نتیجه، آن می‌شود که موجب رضایتشان نباشد، اما اگر گونه‌ای عمل نمایند که فرزند می‌خواهد؛ نتیجه، آن می‌شود که والدین نیز می‌پسندند، پس باید بپذیریم که در جریان رشد و تربیت، باید کودک در محور باشد تا تلاش‌ها به هدر نرود.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

وظیفه پدر و مادر، آماده‌کردن محیط تربیتی و آموزشی مناسب برای کودکان است تا آن‌ها خود فعالانه در عرصه عمل وارد شوند و مشارکت لازم را در اجرای برنامه‌های تعلیم و تربیت داشته باشند. در جریان تربیت، باید همه حواس پنج‌گانه کودک را فعالانه مشارکت داد. بنابراین در این میان والدین و مربیان باید امکانات و فرصت‌های لازم را برای فعال‌نمودن همه حواس فرزند خود فراهم آورند تا او بتواند در مسیر درک صحیح و منطقی رشد، رهنمون شود (۱۳).

کودکان در هر سنی، بنا بر شرایط خود، به توجه والدین نیاز دارند. وقتی آن‌ها از سن نیازهای اولیه جسمانی خود عبور می‌کنند، آموزش مهارت‌های شناختی، اجتماعی‌شدن، احساس امنیت عاطفی، اعتماد به نفس، اطاعت و کنترل پرخاشگری و انتظار عمل مستقلانه، باید مد نظر والدین باشد؛ همچنین نظر بر آن است که از این به بعد کودکان پیرامون ویژگی‌ها و صفاتی چون انگیزش برای یادگیری، توانایی تنهاماندن و دوری‌جستن طبیعی از والدین، کسب توانایی رقابت با دیگران، کسب توان دفاع معقول از خود در برابر تهدیدها، جلوگیری از تسلط دیگران و دیگر محسنات اخلاقی و رفتاری نیز باید گام‌هایی بردارند. اگر کودکان این مرحله رشد را به خوبی طی کنند، در دوره نوجوانی مشکل کمتری خواهند داشت.

۶. وظایف والدین در سنین حساس رشد: صاحب نظران معتقدند رفتار کودکان با شیوه‌های رفتاری والدین همبستگی زیادی دارد. رابطه مطلوب بین والدین و کودک دارای ماهیتی عاطفی است و چنین رابطه‌ای کودکان را با احساس اعتماد و امنیت پرورش می‌دهد. کودکانی که به والدین خود اعتماد دارند و در مواجهه با مشکلات پیچیده زندگی، جهت دریافت کمک و راهنمایی به آن‌ها رجوع می‌کنند، در این رابطه فرصت برای ابراز وجود و شناخت وجود دارد و همبستگی و وفاداری در جامعه بر این خانواده‌ها حاکم است. برعکس کودکان ناموفق، معمولاً محصول روابط ناسالم و نامطلوب والدین هستند. چنین کودکی از توجه و محبت والدین محروم است و به دلیل همین عطش به محبت، می‌خواهد همه جا باشد و از اینکه کنار گذارده شود، به شدت رنج می‌برد. افزون بر آن همه توانایی او که برای خشنودساختن دیگران صرف می‌شود، باز هم برای جبران کمبودها، محبت دیگران را به هر بهایی خریدار است. با بزرگ‌ترشدن کودکان، روابط نامطلوب با والدین اغلب به صورت تعارض بین والدین و کودک بروز می‌کند. والدینی که بازدارنده و پرتوقع هستند، کودکانی بدون کنترل و بی‌اختیار بار می‌آورند و والدین با محبت، تأییدکننده و گرم، کودکانی مبتکر، فعال، مستقل و اجتماعی پرورش می‌دهند و بالاخره والدین بی‌تفاوت دارای فرزندانی غمگین، گریزان از فعالیت‌های اجتماعی و ستیزه‌جو خواهند بود. مهم‌ترین این عوامل تحمل والدین نسبت به کودک و رفتار اوست. هر اندازه والدین تحمل‌پذیر و شکیباتر باشند، ثبات و قدرت شخصیتی کودک بیشتر خواهد بود. اگر نگرش‌های والدین با بزرگ‌ترشدن کودک بهتر شود، آثار نامطلوب روابط خانوادگی کمتر خواهد بود. با این حال نگرش‌های والدین پایدار خواهد بود و تغییرات آن کمی است تا کیفی (۱۴).

با استفاده از نظرهای متخصصان در حوزه خانواده و تربیت کودک باید گفت که تربیت‌کننده در هر مقامی که باشد (پدر، مادر و معلم) در صورتی موفق به انجام مأموریت خود می‌شود که با اخلاق خوب و پسندیده وارد عرصه تعلیم و تربیت (خانه یا مدرسه) شود تا در آن صورت بتواند با کودک پیوند عاطفی و درونی برقرار نموده و از آن طریق پیام تربیتی خود را جذاب و مورد قبول ارائه نماید.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

معلمان و والدین در تربیت باید اجازه دهند تا کودک به اندازه‌ای شکست را تجربه نموده و جرأت مواجهه با موانع را پیدا کنند، چون گفته می‌شود آن‌ها از شکست بیشتر از موفقیت‌های پیوسته می‌آموزند. پدران، مادران و مربیان باید در جریان تربیت طرح و نقشه داشته باشند. تربیت به نوعی تأمین نیازهای حیاتی انسان است. نکته قابل توجه دیگر اینکه فضای تربیتی خانه و مدرسه باید به دور از تنش، تبعیض و تهدید اداره شود و در آنجا به حقوق کودکان احترام بگذارند. همچنین برای اوقات فراغت آن‌ها نیز برنامه‌ریزی لازم داشته باشند تا در آن صورت، اقدام تربیتی مؤثر واقع شود.

روش

روش پژوهش در این مقاله گردآوری اطلاعات اسنادی، مطالعه کتابخانه‌ای در مقام تجزیه و تحلیل توصیفی ـ تحلیلی است.

یافته‌ها

چنانکه در قسمت چکیده گفته شده است، یافته‌ها در پژوهش به اطلاعات و داده‌های خام جمع‌آوری‌شده در پژوهش اشاره دارد. از آنجایی که نوع پژوهش ما گردآوری اطلاعات اسنادی، مطالعه کتابخانه‌ای و به شکل تجزیه و تحلیل توصیفی ـ تحلیلی است، لذا محقق با توجه به انواع سبک‌های فرزندپروری مطابق با مطالعات کتابخانه‌ای، سبک فرزندپروری اقتدار منطقی را بر سایر روش‌ها برتر دانسته و در جریان تربیت متعال بر این روش تأکید دارد. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که افکار و رفتار کودک تحت تأثیر عوامل محیط و مکانی است که وی در آنجا متولد شده و طی زمان‌ها و شرایط متفاوت رشد می‌کند. طبق گفته صاحب‌نظران اساس شخصیت انسان در اولین سال‌های زندگی پی‌ریزی می‌شود و رشد، تحول و تغییرات در زمینه‌های جسمانی، شخصیتی، اجتماعی و شناختی که از مراحل اولیه زندگی کودکی، شروع و تا پایان عمر ادامه دارد؛ در آنجا صورت می‌گیرد. در چنین شرایط و موقعیتی خانواده می‌تواند به عنوان اولین و مهم‌ترین محیط برای رشد متعادل یا نامتعادل کودک مطرح باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش چنانکه گفته شد، در پاسخ به این پرسش که آیا خانواده با توجه به رویکردها و ویژگی‌های متفاوت در مراحل حساس رشد کودک در تربیت متعادل فرزند چگونه می‌تواند نقش‌آفرینی داشته باشد؟ نتیجه این پژوهش و پژوهش‌های پیشین، بدون هیچ پیش‌داوری و تعصب نسبت به انواع سبک‌های تربیتی والدین، می‌توان گفت که والدین در خانواده‌ها با سبک فرزندپروری مقتدرانه در قبال سبک‌های تربیتی آزاد گذار و استبدادی در جریان تربیت متعادل، به خوبی می‌توانند فرزندانی تربیت کنند که دارای ویژگی‌های زیر باشند:

مسئولیت‌پذیر، توانایی تطابق با شرایط محیطی، داشتن عکس‌العمل مناسب در برابر مشکلات و حوادث زندگی، داشتن تعادل عاطفی، روحیه سازگاری اجتماعی، سلامت ذهنی، سلامت عاطفی و هیجانی، سلامت محیط زندگی، سلامت معنوی، توانایی تعامل با انسان‌ها و محیط، توانایی احترام‌گذاشتن به دیگران، مسئولیت در قبال جامعه، توانایی لازم در برابر احساس پوچی، بیهودگی و تزلزل روحی، هدفداربودن زندگی، پای بندی اخلاقی، روحیه تعاون و همکاری، داشتن حُسن ظن و توجه بیشتر به مسائل معنوی در زندگی، نداشتن اضطراب، تزلزل روحی و عوارض ناشی از آن، سلامت اجتماعی، قادر به انجام فعالیت‌های گوناگون مطابق با توان خود، مورد پذیرش همگان واقع‌شدن، احساس رضایت و خشنودی دیگران از

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

تعامل با آن‌ها، در انجام امور خلاقانه و با تدبیر عمل‌کردن و دیگر ویژگی‌های برجسته تا اینکه بتوانند به عنوان یک شهروند مسئول در جامعه انسانی نقش‌آفرین و اثربخش باشند.

چنانکه باور داریم مهر و محبت، صفا و صمیمیت، همدلی و هم‌زبانی گمشده هر انسانی است و در هر سن و سالی خصوصاً در سنین حساس رشد کودکی، از جمله مهم‌ترین مطالبات هر کسی به حساب می‌آید. ارتباط عاطفی برخواسته از خلوص نیت از سوی پدر و مادر، به عنوان اساسی‌ترین نیاز کودک مطرح بوده و هیچ چیزی نمی‌تواند جای آن را بگیرد. کودکی که در خانواده متعادل و پذیرا وقتی از مهر و محبت صادقانه والدین خود برخوردار می‌شود در مسیر کسب معرفت و کمالات انسانی به آسانی پیش می‌رود. گفته می‌شود محبت اساس تربیت و عامل نفوذ و حاکمیت بر دل هر انسانی به ویژه کودکان است. کودکان به واسطه صفای درون و قلب ظریف و روح پاک خود والدین را به عنوان ولی نعمت خود می‌پذیرند و به گفته‌های آن‌ها ایمان دارند؛ بر این اساس صاحب‌نظران علوم تربیتی و روان‌شناسان همواره تأکید دارند که رفتار بزرگ‌ترها خصوصاً پدر و مادرها نسبت به فرزندان خردسال باید صادقانه باشد و اگر وعده‌ای به آن‌ها داده می‌شود، حتماً عملی شود.

بر اساس رهنمودهای بزرگان تعلیم وتربیت و روان‌شناسان در این مقاله متوجه می‌شویم که خانواده به عنوان مکانی امن‌محور و اساس تربیت کودک در مسیر شکل‌گیری شخصیت اوست و اثری ماندگار بر رفتار و منش کودک دارد. فرزند در خانواده به کیفیت روابط انسانی خود پی می‌برد و برای آینده زندگی خود طرح‌ریزی می‌کند.

خانه به عنوان بزرگ‌ترین منبع تعادل روانی برای کودک، با حضور گرم و صمیمی پدر و مادر شکل می‌گیرد. در چنین خانه‌ای، مادر در ایفای نقش خود باید زمینه پیوند عاطفی بین اعضای خانه را فراهم آورد. او فردی صلح جو و آرامش‌خواه است، بدی‌ها را به خوبی، زشتی‌ها را به زیبایی، تنش‌ها را به آرامش و قهرها را به آشتی تبدیل می‌کند. پدر مهربان نیز ضمن اینکه به عنوان تکیه‌گاه روانی، اجتماعی و اقتصادی خانواده شناخته می‌شود، برای کودک خود به عنوان منبع قدرت، شجاعت، شهامت، توانایی به حساب می‌آید.

خانواده مقدمه‌ای برای ورود کودک به اجتماع بزرگ است. خانواده نقش اساسی و مهمی در فرایندهای اجتماعی‌کردن ایفا می‌کند. نگرش و رفتار والدین در خانواده می‌تواند تسهیل‌کننده و یا بر عکس مانع جریان تکامل همه‌جانبه کودکان باشد. پدر و مادر را به لحاظ تأثیر عمیقی که در کلیه ابعاد شخصیت فرزندان خود به ویژه در جنبه‌های اخلاقی، معنوی و عاطفی آن‌ها دارند، «معماران خوشبختی» لقب می‌دهند. اجتماع خوشبخت و سعادتمند مرهون وجود چنین خانواده‌هایی است.

نظام رشدی فرآیندمحور اساس کار تعلیم و تربیت کودکان در دوره کودکی و می‌بایست در تمام دوران کودکی به شکل تدریجی و مرتبط با هم صورت گیرد. سنین سه تا شش‌سالگی، زمان شکل‌گیری شخصیت اجتماعی، تربیت حواس و تخیل کودک است. کودک در این سنین به تدریج از محیط خانه جدا شده، با کودکان دیگر انس می‌گیرد و برای ورود به مدرسه آماده می‌شود. در مراکز پیش‌دبستانی باید از انضباط خشک و رفتارهای رسمی خودداری شود تا موجب کاهش انگیزه حضورشان در مدرسه نشود. کودکان در این دوره تمایل به خودمحوری و خودمرکزی دارند و همه چیز را از دیدگاه خود می‌بینند. برای یادگیری همواره کنجکاو، خودجوش و مشتاق هستند و به امور تازه با علاقه پاسخ می‌دهند. به فعالیت‌های گروهی کوچک علاقه بیشتری نشان می‌دهند. کودکان در این سنین نمی‌توانند به مدت طولانی آرام در

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

یک جا بنشینند و به جهت نیاز درونی، دائم در حال تلاش و تکاپو هستند.

رشد جسمی و حرکتی کودک به عواملی چون ژنتیک، وضعیت تغذیه، شرایط عمومی بدن، فعالیت‌های ورزشی و دیگر امور بستگی دارد. رشد حرکتی به صورت یک الگوی قابل پیش‌بینی جریان دارد و در حالی که توالی رشد هر کودک در طی عبور از مراحل رشد حرکتی تقریباً ثابت است، اما میزان و نحوه رشد او در هر یک از مراحل کودکی نسبت به کودک دیگر متفاوت می‌باشد. یادگیری زبان برای کودکان در این دوره بسیار مهم است و می‌تواند به عنوان مبنایی برای همه یادگیری‌های بعدی آن‌ها به حساب آید. کودک در جریان رشد عاطفی ـ اجتماعی از طریق پذیرش در گروه‌های کوچک و بزرگ و قبول مسئولیت مطابق با توان خود، در صورت انجام موفقیت‌آمیز آن می‌تواند خود را به لحاظ کسب مهارت‌های اجتماعی ارتقا دهد. کودکان در سنین پایین بازی انفرادی را خیلی دوست دارند، ولی از حدود چهار تا پنج و شش‌سالگی دوست دارند با دوستان خود هم‌بازی شوند و به تدریج بازی اشتراکی را به بازی انفرادی ترجیح می‌دهند.

تربیت‌کردن، به نوعی آموزش روش‌های حل مسأله است تا کودک با فراگیری روش‌ها و فنون آن، بتواند خودش آن را حل نماید. تربیت، مِس وجود آدمی را طلا می‌کند؛ انسان را به هدف عالی آفرینش و به مقصد نهایی خلقت می‌رساند. تربیت، چراغی است که پیش پای نسل‌هاست و زندگی‌کردن مطلوب را به انسان یاد می‌دهد تا او بتواند به بهترین وجه ممکن زندگی نمایند. وظیفه پدر و مادر، آماده‌کردن محیط تربیتی و آموزشی مناسب برای کودکان است تا آن‌ها خود فعالانه در عرصه عمل وارد شوند و مشارکت لازم را در اجرای برنامه‌های تعلیم و تربیت داشته باشند.

کودک علاوه بر آنکه با پدر و مادر پیوند وراثتی دارد، نخستین کلاس تربیت نیز برای او در محیط خانواده تشکیل می‌شود و او خوب و بد امور را در آنجا فرا می‌گیرد. آن‌ها تعهد سازندگی و بازسازی نسل را بر عهده دارند و انجام این وظیفه و تعهد برای آن‌ها کاری چندان آسان نیست. در خانواده که صمیمت محبت و مهربانی وجود دارد، کودک می‌تواند هم ثبات خودپنداری را حفظ کند و هم باعث تغییرات مطلوب در شخصیت خود شود. والدین یکی از مهم‌ترین منابع شکل‌گیری خودپنداره و احساس خود ارزشمندی و عزت نفس در کودکان و نوجوان‌ها هستند.

در فرآیند رشد اخلاقی، کودک به ابراز محبت پدر و مهر بی‌دریغ مادر نیازمند است. مادر بخشنده است و اشتباه را می‌بخشد و پدر در خانواده شادی‌بخش و روحیه‌آفرین است. خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین محیطی که کودک در آنجا پای به عرصه وجود می‌گذارد، همه اعضای آن به ویژه پدر و مادر الگوی فرزند خود هستند. انسان ذاتاً الگو طلب و الگوپذیر است، لذا والدین به لحاظ الگویی باید وظایف دینی خود را به شایستگی انجام دهند. خداوند در قرآن کریم پیرامون دوران کودکی، اهمیت و ضرورت آن می‌فرماید: کودکی یکی از مراحل حیات دنیایی انسان است که از هنگام ولادت آغاز می‌شود و تا بلوغ ادامه می‌یابد. در سوره نورآیه ۵۸ خداوند پدر و مادر را موظف به تعلیم و تربیت فرزندان می‌داند با رسیدن کودک به دوران بلوغ، حیات و زندگی وی تغییر می‌یابد و به مرحله دیگری وارد می‌شود. روابط صمیمانه اعضای خانواده در تکوین شخصیت کودک تأثیر می‌گذارد و در این رابطه هر یک از والدین خصوصاً مادر سهم مهمی را به عهده دارد. در سیره معصومین (ع)، تربیت کودک پیش از تولد آغاز می‌شود و با انتخاب همسر تقریباً کانون تربیت شکل می‌گیرد. در جریان تربیت علاوه بر فطرت،

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

عوامل وراثتی و محیط نقش مهمی در تربیت دارند که آن هم با انتخاب همسر و ازدواج، پرونده وراثتی و محیطی تربیت باز می‌شود. روش تربیتی معصومین (ع) بر پایه محبت و مهرورزی، تأمین امنیت روانی، تکریم و شخصیت‌دادن به کودکان، بازی با کودکان بوده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

References

1. Sarjameh Shourani F. Investigating the relationship between resilience and communication skills, mental health and life expectancy in female student teachers. Master's Thesis. Tehran: Farhangian University, Nasibeh Farhangian University, 2023. [Persian]

2. Ginott HG. Between parents and child: new solution to old problems. Translated by Sartippi S. Tehran: Information Publications; 1995. [Persian]

3. Rezaei S. The effect of problem-solving training on self-awareness, academic self-efficacy and stress management of third-grade female elementary school students in Qom city. Master's Thesis. Tehran: Farhangian University, Nasibeh Farhangian University, 2023. [Persian]

4. Parsa M. Child and Adolescent Developmental Psychology. Tehran: Besat Publications; 1994. [Persian]

5. Bani Jamali SH, Ahadi H. Developmental psychology, fundamental concepts in child psychology. Tehran: Bonyad Publications; 1992. [Persian]

6. Nejati H. Adolescent psychology, how to deal with teenagers. Tehran: Bikaran Publications; 1997. [Persian]

7. Navabinezhad SH. Normal and abnormal behaviors of children and adolescents and ways to prevent and treat abnormalities. Tehran: Parents and Teachers Association Publications; 1998. [Persian]

8. Bayabangard E. Ways to increase self-esteem in children and adolescents. Tehran: Parents and Teachers Association Publications; 1994. [Persian]

9. Abutaleb T. Self-confidence and its relationship with success. Tehran: Vahid Publications; 2003. Vol.1. [Persian]

10. Burke LE. Developmental Psychology (From Conception to Childhood. Translated by Seyed Mohammadi Y. Tehran: Arasbaran Publications; 2003. Vol.1. [Persian]

11. Seif AA. Modern Educational Psychology: The Psychology of Learning and Teaching. Tehran: Doran Publications; 2008. [Persian]

12. Kadivar P. Educational psychology. Tehran: Samt Publications; 2003. [Persian]

13. Kaul V. Early childhood education programme. Translated by Mofidi F. Tehran: Samt Publications; 2007. [Persian]

14. Navvabinejad SH. Three discourses on guidance and education of children. Tehran: Parents and Teachers Association Publications; 1994. [Persian]

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.